«ایران» ابعاد حکم رئیس جمهوری برای رئیس ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور را بررسی می کند

مأموریت عارف تحول حکمرانی فضای مجازی

گزارش

گروه سیاسی

انتشار متن حکم رئیس جمهوری درباره مأموریت جدید محمدرضا عارف ابعاد و اهداف این مأموریت معطوف به دسترسی عموم مردم به اینترنت را مشخص کرد. حکمی که گستره انتشار خبرها و گمانه‌زنی‌ها پیرامون آن طی یک هفته گذشته نشان از اهمیت آن داشت و حالا محتوای آن مؤید آن است که خواست پزشکیان از عارف و منتصب کردن او با حفظ سمت به‌عنوان رئیس ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور هدفی فراتر از رفع فیلتر صرف این سکوی مجازی یا آن افزونه اینترنتی را دنبال می‌کند.

بر اساس آنچه در متن حکم صادره از سوی رئیس جمهوری تصریح شده، عارف در رأس این ستاد ویژه مأموریت دارد تا با پایان دادن به چندصدایی در مدیریت فضای مجازی، تدوین کننده و مجری نقشه راه تحول در حکمرانی فضای مجازی باشد.

در حکم رئیس جمهوری با یادآوری «مراتب تعهد، تجارب و سوابق گران‌سنگ مدیریتی» عارف در ایجاد «اجماع و راهبری هماهنگ میان سطوح کلان کشور» آمده است: «نظر به ضرورت فوری استقرار حکمرانی یکپارچه، منسجم و کارآمد در فضای مجازی به‌عنوان یکی از حوزه‌های حیاتی و راهبردی، به‌موجب این حکم با حفظ سمت به‌عنوان رئیس ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور منصوب می‌شوید.»

پزشکیان از معاون اولش خواسته است «با اتکال به خداوند متعال و در چهارچوب قانون اساسی، اهداف سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی نظام و منویات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، برنامه هفتم پیشرفت و رعایت منشور اخلاقی کارگزاران دولت وفاق ملی؛ با بهره‌گیری از کلیه ظرفیت‌های قانونی و اجرایی کشور نسبت به ایجاد انسجام نهادی و هم‌راستاسازی سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات دستگاه‌های ذی‌ربط اقدام نموده و با طراحی و استقرار سازوکارهای مؤثر، هماهنگی و تصمیم‌گیری یکپارچه در رفع تداخل وظایف، جلوگیری از موازی‌کاری‌ها و پایان‌بخشی به چندصدایی در مدیریت فضای مجازی کشور» اهتمام حداکثری داشته باشد.»

«تدوین و اجرای نقشه راه جامع تحول در حکمرانی فضای مجازی»، «بازآرایی ساختارهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری از جمله ساماندهی و ارتقای کارآمدی دبیرخانه شورای عالی و مرکز ملی فضای مجازی» و نیز «استقرار نظام نظارت راهبردی و پایش مستمر عملکرد دستگاه‌ها در این حوزه» از جمله مأموریت‌هایی است که رئیس جمهوری به عارف محول و به همراه پیوستی از اهداف کلان و وظایف ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور به او ابلاغ کرده است. در بخش پایانی حکم صادره نیز تأکید شده که «کلیه وزارتخانه‌ها، دستگاه‌های اجرایی، نهادها و سازمان‌های عمومی و حاکمیتی، موظف به همکاری کامل و مؤثر با این ستاد در چهارچوب قوانین و مقررات و اجرای دقیق هماهنگی‌ها و تصمیمات ابلاغی اند.»

پایان دادن به چند صدایی در فضای مجازی

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در حکم انتصاب معاون اول رئیس جمهوری به ریاست ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور قابل توجه است، تأکید پزشکیان بر طراحی سازوکاری مؤثر برای هماهنگی و رفع تداخل وظایف و پایان دادن به چند صدایی و چند سری و به عبارتی رسیدن به سازوکار تصمیم‌گیری واحد است.

در حال حاضر تصمیم‌گیری درباره فضای مجازی در ایران میان نهادها و قوای مختلف تقسیم شده است. علاوه بر شورای عالی فضای مجازی که از سال ۱۳۹۱ به دستور رهبر شهید انقلاب به عنوان نهادی برای سیاست‌گذاری کلان در حوزه فضای مجازی تشکیل شد؛ «وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات»، «مرکز ملی فضای مجازی»، «کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه»، «سازمان صدا و سیما» - که با تصویب مجلس به عنوان نهاد تنظیم‌گر صوت و تصویر فراگیر و پلتفرم‌های رسانه‌ای عمل می‌کند» - در کنار مجلس شورای اسلامی که وفق وظایف تقنینی خود می‌تواند درباره پلتفرم‌ها، حریم خصوصی، جرایم سایبری و حکمرانی دیجیتال تصمیم‌گیری کند و نیز قوه قضائیه که وظیفه برخورد با جرایم اینترنتی را دارد و از مسیر احکام قضایی در امر فیلترینگ نقش دارد و همچنین نهادهای امنیتی و انتظامی، به واسطه وظایف شان در حوزه امنیت سایبری، فهرست بلندبالای نهادهایی هستند که دیدگاه‌ها و تصمیم‌های مختلف و بعضاً غیرهمسویی را در مدیریت فضای مجازی پیگیری می‌کنند.

به همین دلیل است که به نظر می‌رسد مدیریت فضای مجازی در ایران نیازمند انسجام، هماهنگی و وحدت در سیاست‌گذاری است. چندصدایی و اعلام مواضع متناقض از سوی نهادهای مختلف، علاوه بر ایجاد سردرگمی برای مردم و کسب‌وکارها، مانع شکل‌گیری یک حکمرانی مؤثر و قابل پیش‌بینی در این حوزه می‌شود. در شرایطی که فضای مجازی نقش مهمی در اقتصاد، فرهنگ و امنیت کشور دارد، تصمیم‌گیری‌های پراکنده و غیرهمسو می‌تواند اعتماد عمومی را کاهش داده و فرصت‌های توسعه را از بین ببرد. پایان دادن به چندصدایی و حرکت به سوی یک رویکرد واحد و شفاف، لازمه مدیریت کارآمد و حفظ منافع ملی در عصر دیجیتال است.

> بر اساس آنچه در متن حکم صادره از سوی رئیس‌جمهوری تصریح شده، عارف در رأس این ستاد ویژه مأموریت دارد تا با پایان دادن به چندصدایی در مدیریت فضای مجازی، تدوین کننده و مجری نقشه راه تحول در حکمرانی فضای مجازی باشد

نقشه راه تحول در حکمرانی فضای مجازی

تأکید بر تدوین و اجرای یک نقشه راه تحول در حکمرانی فضای مجازی دیگر دستور کاری است که رئیس جمهوری برای این ستاد ویژه در نظر داشته است. با این حال بر خلاف ارزیابی‌های اولیه‌ای که از این دستور کار در معدودی از رسانه‌ها منتشر شد و از آن به عنوان جایگزین دستور رفع محدودیت اینترنت بین‌الملل یاد شد؛ این رفع محدودیت می‌تواند یکی از نتایج تدوین نقشه راه تحول در حکمرانی فضای مجازی باشد اما نه تنها نتیجه آن.

این نقشه راه قرار است در ذیل رویکردی تدوین شود که با باور داشتن به ضرورت در نظر داشتن همه ابعاد مرتبط با امنیت ملی در فضای مجازی، آن را یک امکان علی‌حده برای شهروندان نمی‌داند.

بلکه چنان که اخیراً در گفت‌وگوی «ایران» با معاون سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه فاوا و اقتصاد دیجیتال وزارت ارتباطات مورد تأکید قرار گرفت؛ دسترسی به فضای مجازی و از جمله اینترنت بین‌الملل در جهان امروز امری هم‌پایه ضرورت دسترسی شهروندان به آموزش، مسکن، حمل‌ونقل و دیگر زیرساخت‌های لازم برای زیست اجتماعی شهروندان است.

در ذیل چنین نگاهی به حکمرانی فضای مجازی آنچه باید تحقق پیدا کند امری فراتر از پایان یافتن بخش غیر ضروری محدودیت‌های تحمیل شده ناشی از ملاحظات امنیتی است. در این نگاه تحول در حکمرانی فضای مجازی به معنای تحقق حق همه شهروندان برای برخورداری از دسترسی امن، پایدار، باکیفیت، مقرون به صرفه و غیرتبعیض‌آمیز به اینترنت، به‌گونه‌ای است که بتوانند از آن برای آموزش، اشتغال، ارتباطات، خدمات عمومی، تجارت، نوآوری و مشارکت اجتماعی بهره‌مند شوند. ضرورت‌هایی که احسان چیت‌ساز معاون وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در گفت‌وگوی سوم اردیبهشت ماه سال‌جاری با «ایران» آن را این‌گونه تبیین کرد: «همان‌گونه که آموزش عمومی تنها با ساختن مدرسه محقق نمی‌شود و نیازمند کیفیت، معلم، برنامه درسی و دسترسی واقعی است، حق دسترسی به اینترنت نیز تنها با وجود شبکه معنا پیدا نمی‌کند بلکه به ترکیبی از زیرساخت، مقرون به صرفه بودن، سواد دیجیتال، آزادی بهره‌برداری مشروع و امنیت کاربر وابسته است.»

وفاق برای احقاق حق شهروندان در فضای مجازی

نکته مهم دیگر در متن حکم رئیس جمهوری برای این انتصاب موظف شدن کلیه وزارتخانه‌ها، دستگاه‌های اجرایی، نهادها و سازمان‌های عمومی و حاکمیتی به همکاری کامل و مؤثر با این ستاد و اجرای دقیق هماهنگی‌ها و تصمیمات ابلاغی آن است.

زیرا همچنان که اشاره شد نهادهای حاکمیتی متعددی بر اساس اختیارات قانونی مصرح و یا در ذیل کاروزه‌های مرتبط با فضای مجازی در این حوزه تصمیم‌گیری و اقدام می‌کنند. وضعیتی که سبب می‌شود دستیابی این ستاد ویژه به اهداف پیش‌بینی شده‌اش نیازمند اراده جدی برای حرکت به سوی همصدایی در موضوع فضای مجازی باشد. حالا رئیس جمهوری که طی دو سال گذشته باطل السحر همه مشکلات داخلی و خارجی کشور را وفاق و هم‌گرایی دانسته و درستی دیدگاهش در دو جنگ تحمیلی اخیر با پیروزی‌های متکی بر وحدت ملی اثبات شده است؛ راه‌حل پایان دادن به چالش پیش روی زیست شهروندان و تحقق حقوق شان در فضای مجازی را یک بار دیگر وفاق می‌داند.

خبر

عارف با اشاره به جنگ رمضان:

ایران وارد مرحله جدید حکمرانی شده است

علم و فناوری خط مقدم جبهه آینده کشور

معاون اول رئیس جمهور در جلسه شرکت مادر تخصصی بازرگانی ایران که به‌صورت وبینار با حضور مدیران استانی برگزار شد، با تبریک پیروزی بر دشمنی که خود را کدخدای دهکده جهانی می‌دانست، گفت: «این دشمن هیچ معیار اخلاقی و انسانی ندارد اما با مقاومت میدان و حضور مردم، پیروزی حاصل شد.»

محمدرضا عارف با اشاره به نقش راهبردی تنگه هرمز در تأمین امنیت ملی و توسعه کشور افزود: «جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ رمضان وارد مرحله جدیدی در حکمرانی شده و باید خود را برای این شرایط آماده کند.» عارف با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ رمضان وارد مرحله جدیدی شده است، توسعه علم و فناوری، دستیابی به مرجعیت علمی و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان را از راهبردهای ثابت نظام و دولت دانست و خواستار تدوین برنامه‌های کشور متناسب با جایگاه جدید ایران شد.

وی تأکید کرد: «ایران پس از جنگ رمضان به‌عنوان قدرت برتر منطقه و یک ابرقدرت جهانی شناخته می‌شود و باید متناسب با این جایگاه جدید برنامه‌ریزی کنیم. تاکنون برنامه‌ریزی‌های کشور متناسب با تحریم‌ها و فشارهای دشمنان بود اما اکنون باید برای امنیت، رفاه و توسعه کشورمان و حتی منطقه برنامه‌ریزی شود.»

عارف با تأکید بر اینکه حق ما در تنگه هرمز تثبیت شده و مسأله تمام شده است گفت: «ما دیگر برای یک کشور نود میلیون نفری تحت تحریم برنامه‌ریزی نمی‌کنیم بلکه برای یک قدرت جهانی به نام ایران برنامه‌ریزی می‌کنیم که قرار است برادر بزرگ‌تر منطقه غرب آسیا باشد و به امنیت و توسعه و رفاه کل منطقه کمک کند.»

معاون اول رئیس جمهور با اشاره به تأمین کالاهای اساسی در دوران جنگ رمضان گفت: «با همدلی و هماهنگی دستگاه‌های اجرایی و همراهی مردم، کمبودی در کالاهای اساسی احساس نشد اما اکنون مسأله اصلی مردم، گرانی است که باید با عوامل داخلی آن از جمله گران‌فروشی مقابله شود.»

وی همچنین با تأکید بر راهبرد خودکفایی در تولید محصولات کشاورزی افزود: «کشور باید برای امنیت غذایی، اصلاح الگوی کشت و تولید محصولات کشاورزی برنامه جامع داشته باشد و مراکز پژوهشی نیز راه‌حل‌های عملی برای حل چالش‌های این بخش ارائه دهند.»

معاون اول رئیس جمهور همچنین در جلسه صندوق نوآوری و شکوفایی با بیان اینکه جنگ‌های امروز، جنگ‌های علم و فناوری است، گفت: «هر کشوری که دست برتر در علم و فناوری داشته باشد، پیروز میدان خواهد بود و جمهوری اسلامی ایران نیز توانمندی بومی قابل توجهی در این حوزه در اختیار دارد.»

عارف با تأکید بر اینکه مسئولیت راهبری حکمرانی آینده بر عهده حوزه علم و فناوری است، تصریح کرد: «علم و فناوری خط مقدم جبهه آینده کشور و دانشمندان و متخصصان، سربازان این جبهه هستند و هرگونه غفلت در این حوزه، موجب عقب‌ماندگی خواهد شد.»

وی دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز توسعه برای کسب مرجعیت علمی در دنیا را ضروری دانست و افزود: «راهبرد اصلی دولت، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان است و باید با طراحی سازوکارهای مشخص، از مراکز پژوهشی و علمی حمایت جدی شود.»

معاون اول رئیس جمهور همچنین در بازدید از شرکت ملی پست، وزارت ارتباطات را یکی از زیربنایی‌ترین و اولویت‌دارترین بخش‌های کشور برای توسعه علمی دانست و گفت: «امروز وزارت ارتباطات صرفاً یک مجموعه خدماتی نیست بلکه نقشی راهبردی در توسعه علم و فناوری کشور برعهده دارد.»

وی تأکید کرد: «برای ایفای نقش جدید ایران پس از جنگ رمضان در منطقه و جهان، باید به مرجعیت علمی دست یابیم و نقش وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در این مسیر بسیار مهم است.» عارف در پایان با تقدیر از خدمات شرکت ملی پست گفت: «خدمات این شرکت حتی در دوران جنگ رمضان نیز بدون وقفه ادامه یافت و این تلاش‌ها موجب افزایش کیفیت خدمات و رضایت مردم شده است.»

جامعه نیازمند ادبیات وحدت‌آفرین است

یادداشت

محمدعلی ابطحی

عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز

جمهوری اسلامی ایران امروز در نقطه‌ای قرار گرفته است که مجموعه‌ای از گزینه‌های سیاسی، امنیتی و دیپلماتیک پیش روی آن قرار دارد. همان‌گونه که رئیس جمهور پزشکیان نیز تأکید کرده‌اند، کشور می‌تواند درمسیر مذاکره‌ای عزتمندانه و مبتنی بر حفظ منافع ملی حرکت کند یا در وضعیت فرسایشی «نه جنگ و نه صلح» باقی بماند و یا مسیر تقابل و درگیری را ادامه دهد.

در چنین شرایطی، آنچه به عنوان انتخابی عقلانی، منطقی و منطبق بر منافع ملی شناخته می‌شود، بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی برای تثبیت دستاوردهایی است که نیروهای مسلح در میدان به دست آورده‌اند.

واقعیت این است که هر دستاورد میدانی زمانی ماندگار و مؤثر خواهد بود که بتواند در عرصه سیاسی و دیپلماتیک نیز به نتیجه برسد. از سوی دیگر، دیپلماسی نیز بدون پشتوانه قدرت ملی و توان میدانی، عملاً به ابزاری کم‌اثر تبدیل می‌شود. به همین دلیل، میدان و دیپلماسی نه در تقابل با یکدیگر، بلکه در امتداد هم معنا پیدا می‌کنند و هر کدام مکمل دیگری هستند.

ترجیح عقلانی در شرایط کنونی، حفظ منافع ملی، صیانت از عزت کشور و تسریع در تثبیت دستاوردهای نیروهای مسلح است. این دستاوردها تنها در بعد نظامی خلاصه نمی‌شود، بلکه شامل تثبیت اقتدار ملی، افزایش اعتماد عمومی و ارتقای موقعیت ایران در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی نیز هست. هرگونه مذاکره‌ای که بر پایه عزت، احترام متقابل و حفظ اقتدار شکل بگیرد، می‌تواند به احقاق حقوق ملت ایران و تثبیت منافع ملی منجر شود.

در شرایط فعلی، مسأله آتش‌بس و فضای پس از آن نیز اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است.

یکی از مهم‌ترین تحولاتی که در این دوره شکل گرفت، انسجام طبیعی جامعه حول محور ایران، امنیت ملی و حمایت از نیروهای مسلح بود. مردم در این مدت نشان دادند که در بزنگاه‌های حساس، ظرفیت بالایی برای همبستگی و همراهی دارند.

عملکرد نیروهای مسلح، مدیریت دولت و تحرکات دیپلماتیک، هر کدام به سهم خود در ایجاد این انسجام نقش‌آفرین بودند. این همگرایی اجتماعی، سرمایه‌ای مهم برای کشور محسوب می‌شود؛ سرمایه‌ای که حفظ و تقویت آن حتی از شکل‌گیری اولیه‌اش مهم‌تر است.

با این حال، حفظ انسجام ملی نیازمند مراقبت دائمی است. نشانه‌های وحدت اجتماعی را می‌توان در حضور مردم در خیابان‌ها، حمایت عمومی از امنیت ملی و همراهی با منافع کشور مشاهده کرد. این نشانه‌ها بیانگر وجود یک همبستگی طبیعی در جامعه هستند اما هر اقدامی که به دوگانه‌سازی‌های سیاسی و جناحی دامن بزند، می‌تواند این انسجام را تضعیف کند. انسجام ملی زمانی پایدار می‌ماند که همه جریان‌ها و سلایق سیاسی خود را در چهارچوب منافع ملی سهیم بدانند.

جامعه امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند ادبیاتی وحدت‌آفرین، پرهیز از انحصارطلبی و توجه به اشتراکات ملی است. اگر سرمایه اجتماعی شکل‌گرفته در این مقطع حساس حفظ شود، کشور می‌تواند با قدرت بیشتری در مسیر تأمین منافع خود حرکت کند.

در این میان، دیپلماسی باید به عنوان ادامه میدان تعریف شود. تجربه‌های تاریخی نشان داده است که مذاکره بدون پشتوانه قدرت، نتیجه‌ای پایدار به همراه ندارد. همان‌طور که میدان بدون بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی نیز نمی‌تواند دستاوردهای خود را تثبیت کند. این دو حوزه زمانی موفق خواهند بود که در کنار یکدیگر قرار گیرند و در یک مسیر مشترک حرکت کنند.

دیپلماسی می‌تواند راه را برای تثبیت دستاوردها، کاهش هزینه‌ها و گشایش در مناسبات بین‌المللی هموار کند اما این دیپلماسی زمانی اثرگذار خواهد بود که از موضع اقتدار و بر پایه توان ملی شکل بگیرد. در مقابل، میدان نیز برای آنکه نتایج خود را به منافع پایدار تبدیل کند، نیازمند آن است که از مسیر گفت‌وگو و تعامل سیاسی پشتیبانی شود.

امروز بیش از هر زمان دیگری ضرورت دارد که نگاه‌های تقابلی و جناحی کنار گذاشته شود و همه ظرفیت‌های کشور در خدمت حفظ منافع ملی قرار گیرد.

ایران در شرایطی قرار دارد که می‌تواند با تکیه بر انسجام داخلی، اقتدار دفاعی و دیپلماسی فعال، مسیر تثبیت حقوق ملت را دنبال کند. موفقیت در این مسیر مستلزم آن است که هم میدان و هم دیپلماسی، در چارچوب یک راهبرد واحد و با هدف حفظ عزت و اقتدار کشور عمل کنند.

دیپلماسی، بخش جدایی‌ناپذیر قدرت ملی است

یادداشت

بیژن نوباوه‌وطن

نماینده مجلس شورای اسلامی

در شرایط سخت و پیچیده جنگی، آنچه بیش از هر عامل دیگری اهمیت پیدا می‌کند، انسجام ملی، هماهنگی میان ارکان حاکمیت و اعتماد مردم به ساختار کشور است. اگر بخواهیم عملکرد نیروهای مسلح، مردم، دولت و دستگاه دیپلماسی را در دو جنگی که پشت سر گذاشتیم بررسی کنیم، باید نتیجه نهایی و برآیند کلی را ملاک قضاوت قرار دهیم. وقتی حضور مردم در صحنه همچنان پررنگ است، ارزش‌های ملی حفظ شده و کشور توانسته از بحران‌های بزرگ عبور کند، این خود نشان می‌دهد مجموعه این عوامل در کنار یکدیگر عملکرد مثبتی داشته‌اند.

بدون تردید مردم در این مسیر نقش اصلی را ایفا کردند. در روزهایی که کشور با فشارهای خارجی، تهدیدهای امنیتی و جنگ روانی گسترده مواجه بود، ایستادگی مردم باعث شد دشمن به اهداف خود نرسد. در کنار این مسأله، نیروهای مسلح نیز با اقتدار و آمادگی کامل توانستند امنیت کشور را حفظ و در برابر تهدیدات خارجی مقاومت کنند. این اقتدار نظامی نه‌تنها در میدان نبرد، بلکه در عرصه سیاسی و دیپلماتیک نیز اثرگذار بود.

یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی که کشور پشت سر گذاشت، شهادت رهبر انقلاب و انتقال آرام و بدون تنش قدرت به جانشین ایشان بود. بسیاری معتقدند عبور از چنین رخداد سنگین و حساسی بدون ایجاد بحران داخلی، نوعی معجزه الهی و نشانه استحکام ساختار نظام بود. اگر این محوریت و انسجام حفظ شود، طبیعی است که حتی در صورت وجود برخی انتقادها یا ضعف‌ها، کلیت مسیر کشور همچنان مثبت ارزیابی شود.

البته هیچ‌کس منکر وجود مشکلات و کمبودها نیست. مسائل اقتصادی، فشارهای معیشتی و تلاش دشمن برای ایجاد ناآرامی، همچنان از مهم‌ترین چالش‌های کشور به شمار می‌رود. دشمن بیکار ننشسته و همواره تلاش می‌کند از طریق فشار اقتصادی، ارسال سلاح، حمایت از آشوب‌ها و جنگ رسانه‌ای، کشور را دچار بحران کند. به همین دلیل مسئولان باید بیش از گذشته در کنار مردم باشند، مشکلات را بشنوند و برای رفع آنها تلاش کنند. هر چه فاصله میان مردم و مسئولان کمتر شود، موفقیت کشور در برابر تهدیدات بیشتر خواهد شد.

در این میان، دیپلماسی نیز بخش جدایی‌ناپذیر قدرت ملی است. برخی تصور می‌کنند میدان و دیپلماسی دو مسیر جداگانه هستند، در حالی که واقعیت این است که این دو مکمل یکدیگرند. دیپلماسی بدون پشتوانه قدرت نظامی و حمایت مردم، در عمل فاقد اثرگذاری است و نمی‌تواند حقوق کشور را تأمین کند. از سوی دیگر، قدرت نظامی نیز بدون بهره‌گیری از ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک، نمی‌تواند دستاوردهای خود را تثبیت کند. بنابراین موفقیت زمانی حاصل می‌شود که میان این دو حوزه هماهنگی کامل وجود داشته باشد.

در روزهای پیش از آغاز جنگ نیز این هماهنگی به‌خوبی دیده می‌شد. زمانی که وزیر امور خارجه و فرمانده نیروهای مسلح در مجلس حضور یافتند، بر این مسأله تأکید شد که قدرت نیروهای مسلح به تیم مذاکره‌کننده اعتماد به‌نفس و اقتدار می‌دهد تا بتوانند در مذاکرات با قدرت بیشتری از حقوق کشور دفاع کنند. این سخن نشان می‌دهد دیپلماسی و توان نظامی، دو بازوی اصلی قدرت ملی هستند و هیچ‌کدام بدون دیگری به نتیجه مطلوب نخواهند رسید.

ایران در سال‌های اخیر نشان داده توان ایستادگی در برابر قدرت‌های بزرگ جهانی را دارد. پس از پایان جنگ سرد، بسیاری از قدرت‌های جهانی از درگیری مستقیم با یکدیگر پرهیز کردند اما ایران از معدود کشورهایی بود که در برابر فشارهای آمریکا ایستاد و توانست معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی را تغییر دهد. همین ایستادگی باعث شد طرف مقابل نیز ناچار شود از مذاکره سخن بگوید. این مسأله نشان‌دهنده قدرت واقعی ایران در حوزه‌های مختلف است. قدرتی که از ترکیب مردم، نظام سیاسی، توان نظامی و انسجام ملی شکل گرفته است.

طبیعی است که جمهوری اسلامی همواره از مذاکره استقبال کند ولی مذاکره زمانی معنا دارد که منافع ملی و خطوط قرمز کشور حفظ شود. ایران پیش از این نیز وارد مذاکره شده، اما در برخی موارد با بدعهدی و خیانت طرف مقابل مواجه شده است. به همین دلیل تأکید می‌شود هر گونه مذاکره باید بر اساس شروط و چهارچوب‌هایی باشد که از سوی رهبری تعیین شده و حقوق ملت را تضمین کند. مذاکره نباید به معنای عقب‌نشینی یا پذیرش فشار باشد، بلکه باید ابزاری برای تثبیت حقوق کشور و تأمین منافع مردم تلقی شود.

برآیند عملکرد مردم، نیروهای مسلح، دولت و دستگاه دیپلماسی در این دوره مثبت ارزیابی می‌شود. هرچند مشکلات و کاستی‌هایی وجود دارد، اما حفظ انسجام ملی، اقتدار دفاعی و هماهنگی میان میدان و دیپلماسی، مهم‌ترین عواملی بوده‌اند که کشور را از بحران‌ها عبور داده‌اند. اگر این وحدت و هماهنگی ادامه پیدا کند، می‌توان امیدوار بود ایران در آینده نیز با قدرت مسیر خود را ادامه دهد و در برابر فشارها و تهدیدها موفق عمل کند.